

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۹/۳۰

موضوع: خواص جاهل به معارف اهل بیت؛ زمینه ساز انحرافات اعتقادی

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و ایام وفات شهادت گونه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه‌مندان به اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنیم. ما بحثی را در جلسات گذشته در رابطه با فرقه‌های انحرافی به ویژه فرقه انحرافی «احمد بصری» خدمت بزرگواران داشتیم.

دوری از فرهنگ اهل بیت، زمینه ساز ایجاد فرقه‌های انحرافی

در جلسات گذشته اشاره شد که یکی از عوامل گسترش این فرقه‌های انحرافی و تفکر باطل، عدم آگاهی جامعه ما از فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت (سلام الله علیهم اجمعین) است. اگر فرهنگ اهل بیت و احادیث اهل بیت در حوزه‌های مختلف مورد مطالعه قرار بگیرد و در جامعه نشر شود، قطعاً این افکار باطل در جامعه ما رشد نمی‌کند، بلکه به وجود نمی‌آید و جایی برای فرقه‌های انحرافی در جامعه ما باقی نمی‌ماند. در یکی دو هفته‌ای که گذشت، دوستان ما بعضی از قضایایی را از حوزه علمیه استان اصفهان نقل کردند. لذا سه دسته از اساتید و بزرگواران به قم منزل ما تشریف آورده بودند مبنی بر اینکه به قول معروف؛

هردم از این باغ بری می‌رسد

تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد

یکی از اساتید حوزه علمیه اصفهان که نمی‌خواهم نام او را ببرم مدتی است در رابطه با آیات مربوط به ولایت امیرالمؤمنین، خلافت امیرالمؤمنین، عصمت امیرالمؤمنین و حتی زیر سؤال بردن ولادت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) مطالب باطلی را منتشر می‌کند.

البته دو ماه قبل سخنرانی این انسان منحرف در دانشگاه صنعتی اصفهان منتشر شد که او عاشورا را زیر سؤال برده بود. او نزدیک به نیم ساعت بر ضد راهپیمایی اربعین صحبت کرده بود و قیام امام حسین را زیر سؤال برده بود!!

دوستان فایل سخنرانی او را برای ما فرستادند که خیلی زیاد برای ما مهم نبود، اما با توجه به قضایایی که چند هفته قبل در مدرسه صدر حوزه علمیه اصفهان اتفاق افتاد واقعاً قلب انسان را به درد می‌آورد.

کسی که مدعی است من اجازه اجتهاد از بعضی از مراجع عظام تقلید دارم و به قول خودش درس خارج تدریس می‌کند، یک سری مطالبی را مطرح می‌کند که کسی که با الفبای فکری اهل بیت (علیهم السلام) آشنا باشد چنین حرف‌هایی را نمی‌زند.

من بعضی از افکار باطل ایشان را از یکی از آثار نامیمونش بیان می‌کنم. بنده چند موردی را یادداشت کردم که در حقیقت همان حرف‌هایی است که «قلم‌داران» گفته بود و این افراد نشخوار می‌کنند.

حرف‌های او همان حرف‌هایی است که «برقعی» گفته بود. امروز «سید مصطفی طباطبایی» نوه «میرزا مهدی آشتیانی» صاحب «حاشیه‌ای بر رسائل» در تهران حرف‌های باطل می‌زند. و همچنین بعضی از افرادی همانند

«کدیور» و «باقی» که شکست سیاسی داشتند و به خارج رفتند حرف‌هایی مطرح می‌کنند. لذا ایشان حرف جدیدی ندارد!

امروز صبح بنده خدمت یکی از مراجع عظام تقلید بودم و گفتم: این افراد با ولایت فقیه مشکل دارند، با ولی فقیه مشکل دارند، با شخص مقام معظم رهبری مشکل دارند به همین خاطر عقده‌های خودشان را نسبت به ائمه اطهار (علهیم السلام) مطرح می‌کنند.

آقای «عبدالله نوری» آن زمان که در قم بودند نماز صبح در نماز جماعت آیت الله شبیری زنجانی شرکت می‌کردند و ما معمولاً کنار هم می‌نشستیم. ایشان آن زمان روزنامه «خرداد» داشتند. بنده گفتم: حرفی که شما می‌زنید و استناد به کلام حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌کنید و نقل می‌کنید که حضرت امیر فرمودند:

«فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقَ أَنْ أُخْطِئَ وَ لَا أَمْنُ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي»

من خود را برتر از آن که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی‌دانم.

بنده به ایشان گفتم: من نمی‌دانم شما که تربیت یافته حوزه علمیه هستید، چرا این چنین مطالب نادرستی به کار می‌برید؟ او گفت: مگر کجای این حرف اشکال دارد؟ تعبیر ایشان این بود: امیرالمؤمنین خود می‌فرماید که من خطا می‌کنم.

«فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقَ أَنْ أُخْطِئَ»

تکلیف ولی فقیه مکشوف شورای نگهبان روشن است! من گفتم: آقای «نوری» چرا تعبیر حضرت امیرالمؤمنین را تقطیع شده می‌آورید؟ امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أُخْطِئَ وَلَا آمَنُ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي»

زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی‌دانم.

«إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي»

مگر آن که خداوند مرا حفظ فرماید.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۳۵، خ

۲۱۶ و من خطبة له ع خطبها بصفین

مراد حضرت این است که من معصوم هستم و خداوند مرا از خطا حفظ می‌فرماید. این حرف شما همانند این

است که بگویید پیغمبر اکرم می‌فرماید:

(إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ)

من فقط بشری هستم همچون شما.

اگر:

(يُوحَىٰ إِلَىٰ آلِي أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ)

(امتیازم این است که) به من وحی می‌شود که معبود شما تنها یکی است.

سوره کهف (۱۸): آیه ۱۱۰

را حذف کنید همین می‌شود. بعضی از این افراد مشکل سیاسی دارند و می‌خواهند مشکل سیاسی خود را با زیر

سؤال بردن ولایت امیرالمؤمنین، خلافت امیرالمؤمنین یا حکومت امیرالمؤمنین حل کنند و عقده خود را خالی

کنند.

بنده چند روز قبل مقاله‌ای را دیدم که بسیار برایم دردآور بود. نمی‌دانم چکار باید کرد! «مشرق» نوشته است:
"تفسیر جدید لیبرال‌های مسلمان از غدیر فقط دوستی است. حکومت و ولایت در کار نیست!"

من نمی‌دانم این افراد به دنبال چه می‌گردند؟! اگر آن‌ها به دنبال این هستند که حرفی بزنند تا چند تن از اهل سنت خوششان بیاید و به آن‌ها رأی بدهند، بحث جدایی است. ولی اگر این افراد می‌خواهند به مباحث ولایی با نگاه منصفانه نگاه کنند، اینها همه اباطیل است.

بنده یادم نمی‌رود جناب آقای «خاتمی» در پایان دوره چهار ساله خود، در مجلس گزارش دوره چهار ساله را می‌داد که جمله‌ای را بیان کرد و گفت: "حکومت خلفای راشدین مردمی‌ترین حکومت بوده است." بنده عبارت ایشان را دارم.

روزی یکی از مراجع بزرگوار عظام تقلید مهمان ما بودند. ایشان گفتند: با دفتر ایشان تماس بگیرید و بگویید که شما سید هستید، اولاد پیامبر هستید، اینطور حرف زدن دور از شأن شما هست.

من اتفاقاً همان روز به رئیس دفتر ریاست جمهوری آقای «ابطحی» که با ایشان رفاقت بیش از سی و پنج ساله داریم، زنگ زدم و گفتم: "اگر ایشان می‌خواهد به واسطه این حرفها برای دوره بعد رأی جمع کند، بحث دیگری است و خودش می‌داند و حضرت زهرا. ولی اگر می‌خواهد حقیقتی را بیان کند، از ایشان پرسید که این چه مردمی‌ترین حکومت بود که روزهای اول خانه حضرت فاطمه زهرا را آتش زدند و پهلوی حضرت را شکستند و امیرالمؤمنین را کشان کشان به مسجد بردند!؟"

این چه حکومت مردمی بود که امام حسن مجتبی را با آن وضع شهید کردند، امام حسین را به آن وضع فجیع به شهادت رساندند. چطور این حکومت مردمی بود که جنازه عثمان را سه شبانه روز در مزبله انداختند و کسی حاضر نبود بر جنازه او نماز بخواند. حداقل مقداری تاریخ را ببینید و به فکر این باشید که وقتی منزل می‌روید و زن و بچه از شما سؤال می‌کنند شرمنده آن‌ها نشوید."

ایشان قبلاً هم در عبارتی گفته بود: "ظاهراً از حدیث غدیر محبت فهمیده می‌شود، گرچه بعضی از علمای شیعه حرف دیگری زدند!"

یکی از علمای بزرگ اهل سنت شرق کشور گفت: "اگر خاتمی تمام زمین ایران را پر از اسکناس می‌کرد و به ما می‌داد، اینقدر برای ما لذتبخش نبود. جراحی که «علامه امینی» به دل ما زده بود، سخن آقای «خاتمی» مرحوم شد."

بنده در آخر حرف خود گفتم: "آقای «ابطحی» از قول من به ایشان بفرمایید سیلی حضرت فاطمه زهرا را روزی خواهید خورد!"

البته آقایان دیگر مطالبی از این دست بیان کرده‌اند که من برخی را اشاره می‌کنم. جناب آقای «ایازی» تعبیری دارد که اصلاً بحث غدیر بحث ولایت نبوده است، بلکه مرجعیت اهل بیت (علیهم السلام) بوده است. «سعید حجاریان» گفته است: "اصلاً عملکرد ائمه اطهار پس از عاشورا عقلانی‌تر شده است!" خداوند این چنین قلم‌ها را بشکند، لعنت خدا بر این تفکرات!

یا «عماد الدین باقی» گفته است: "فقه شیعه نشانه‌ای از سیره امام علی و امام حسین ندارد!"

«سروش محلاتی» یکی از اساتید حوزه علمیه می‌گوید: "ما شاد نیستیم، زیرا تنها امام حسین را محور قرار دادیم."

همچنین «مصطفی ملکیان» می‌گوید: امام حسن و امام حسین با یکدیگر اختلاف داشتند!"

من نمی‌دانم که این افراد به دنبال چه می‌گردند؟! آیا به دنبال این هستند که عقاید جوانان ما را متزلزل کنند؟ آیا این افراد از آمریکا و اسرائیل و عربستان پول گرفتند؟ این افراد تکلیف خود را با مردم روشن کنند تا مردم

بدانند که آن‌ها وابسته به یک سری از جریان‌ات ضد دین، ضد قرآن و ضد اسلام هستند. ولی اگر نه، واقعاً این افراد به فرهنگ اهل بیت جاهل و ناآگاه هستند، بروند مطالعه کنند. با آگاهان ارتباط بگیرند و با آن‌ها بحث کنند.

آقای «سید مصطفی طباطبایی» کسی است که بنده حدود ده الی دوازده دست نوشته از ایشان دارم که نسبت به حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) رکیک‌ترین تعابیر را به کار می‌برد، به طوری که وهابیت این تعابیر رکیک را به حضرت صاحب الزمان ندارند!!

او همیشه می‌گفت که من با آیت الله سبحانی مناظره کردم، ایشان کم آورد و محکوم شد. من با آیت الله مصباح یزدی و آیت الله مکارم شیرازی مناظره کردم.

بنده چندین بار پیام دادم و گفتم: آقای «طباطبایی»! بنده یکی از شاگردان کوچک این آقایان هستم. اگر راست می‌گویید در جلسه‌ای که شاگردان و دوستان شما باشد و بعضی از دوستان ما باشد حاضر شوید تا با هم بنشینیم و مناظره کنیم و شما ما را هدایت بفرمایید، ولی ایشان زیر بار نرفت.

اما روزی یکی از بزرگواران از دانشگاه ادیان به من زنگ زد و گفت: یکی از مراکز امنیتی ایشان را وادار کرده است به قم بیاید و با شما مناظره کند.

من گفتم ایشان نمی‌آید، اما گفت که او قول داده است و من باز هم گفتم که او نمی‌آید. او گفت: این شخص دوشنبه قم است، اما بنده گفتم که او نمی‌آید. ایشان یکشنبه زنگ زد و گفت: «طباطبایی» گفته است که بنده مریض هستم و نمی‌توانم مسافرت بروم. من گفتم: بنده گفتم که ایشان نمی‌آید.

بعد از چندین روز ایشان زنگ زد و گفت: «طباطبایی» گفته است که اگر شما به تهران بیایید حاضر به مناظره است. من گفتم: شاید ایشان تهران را قبول کند. ما به تهران رفتیم و حدود چهار و نیم ساعت در رابطه با مسئله

مهدویت با ایشان بحث داشتیم. تمامی این مباحث فیلمبرداری شده است، اما دوستان امنیتی گفتند منتشر نکنید و ما هم تعبداً قبول کردیم.

ایشان در رابطه با انکار وجود حضرت ولی عصر حتی به اندازه یک دقیقه هم حرف برای گفتن نداشت. ما تمام صحبت‌ها را پیاده کردیم و تصمیم داریم همین هفته ان شاءالله مشروح این مناظرات را روی سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» بگذاریم تا دوستان ببینند.

طباطبائی در یک صحبتی برگشت گفت: چه کسی وقتی که حضرت مهدی از مادرشان به دنیا آمد، در آنجا شاهد بوده است؟ من گفتم: مادر شما که به زایشگاه رفتند و شما را به دنیا آوردند، آیا پنجاه، شصت نفر مرد و زن شاهد بودند که مادرت تو را به دنیا آورد؟ این چه حرفی است که تو می‌زنی؟

علاوه بر این حدود ده الی دوازده تن از نزدیکان امام هادی و امام حسن عسکری از جمله «حکیمه خاتون»، قابله و دیگران شاهد جریان بودند. بیش از دویست و پنجاه، سیصد نفر از خواص شیعه حضرت ولی عصر را قبل از وفات امام حسن عسکری دیدند.

«مرحوم صدوق» در کتاب «کمال الدین» و «مرحوم شیخ» در کتاب «الغیبة» به سندهای صحیح، این روایات را نقل کرده است. یک روایت و دو روایت نیست که شما بخواهید تخطئه کنید!

او گفت: «حکیمه خاتون» یک زن عادی بوده است! بنده گفتم: در کتاب‌های رجال ما از آیت الله خوئی، «مرحوم مامقانی» و دیگران وارد شده است که ایشان از زنان مجلله عصر امامت بوده است. این چه حرف‌هایی است که شما می‌زنید!

دوستان عزیز قسم به جان حضرت ولی عصر ایشان به قدری کم آورد و در برابر صحبت‌هایی که ما از ائمه اطهار و اساتید یاد گرفته بودیم به قدری شرمنده شد که وقتی خواست برود از هیچکس خداحافظی نکرد و تنها سر خود را زیر انداخت و رفت.

او بعد از این مناظره چندین ماه برنامه‌های تفسیری خود را تعطیل کرد و در نهایت گفته بود که ای کاش من با فلانی مناظره نمی‌کردم و اگر مناظره می‌کردم در رابطه با مهدویت مناظره نمی‌کردم. ای کاش در رابطه با قرآن مناظره می‌کردم تا آن‌ها کم می‌آوردند.

من عرض کردم که مشروح این مناظرات را پیاده کردیم که به حول قوه الهی همین هفته ان شاءالله روی سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» می‌گذاریم.

دوستان باید ببینند کسانی که امروز پرچم ضد ولایت و ضد امامت اهل بیت را به دوش گرفتند چه حرفی برای گفتن دارند.

یکی از دخترهای نُه ساله ما از یزد که پای صحبت‌های ما در «شبکه جهانی ولایت» بود، به شبکه‌های وهابی همانند «شبکه کلمه» تماس گرفت و به کارشناس گفت: من آماده هستم در پنج دقیقه امامت الهی و خلافت بلافضل علی بن ابی طالب را از آیات و روایات با سند صحیح از کتب اهل سنت برای بینندگان شما ثابت کنم.

رنگ کارشناس این شبکه پرید، به من من افتاد و سریع تلفن را قطع کرد! بچه‌های کوچک ما اگر آگاهی کمی از مصادر ما داشته باشند، کاملاً قضیه روشن است.

آقایی که در اصفهان مدعی است من درس خارج دارم، اخیراً در سایت خود اعلام کرده است که حاضر به مناظره هستم؛ به شرط آنکه هرکسی با من مناظره می‌کند همانند من گواهی اجتهاد داشته باشد، درس خارج تدریس کرده باشد، تألیفات داشته باشد.

او حتماً در آینده می‌خواهد بگوید شخصی که با من مناظره می‌کند حتماً باید متولد نجف آباد باشد و در همان تاریخ و ساعتی که من به دنیا آمدم، به دنیا آمده باشد. یا باید حدود چهل نفر شاهد داشته باشد که در زایشگاه به دنیا آمده است!!

ما نمی‌دانیم شرایط بعدی او چیست. او می‌گوید: "ما از راه روایات به جایی نمی‌رسیم و نمی‌توانیم زمان نزول آیه را پیدا کنیم." این مطالب در کتاب «تفسیر جدید از سه آیه مربوط به ولایت حضرت علی»، صفحه ۶ سطر ۲۰ وارد شده است.

او در رابطه با آیه:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.

سوره مائده (۵): آیه ۳

ادعا می‌کند که این آیه در روز عرفه نازل شده است. ما از کتب شیعه نزدیک سی و نه روایت در این زمینه داریم و از اهل سنت هم بالاتر از این تعداد روایت داریم که این آیه در روز غدیر نازل شده است. تنها «بخاری» یک روایت از عمر بن خطاب نقل می‌کند که آیه **(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)** در عرفه نازل شده است.

من نمی‌دانم این همه روایات را گذاشته و چه رابطه‌ای با عمر بن خطاب دارد که رأی ایشان را گرفته است. ما بارها به این ادعا مفصل جواب دادیم.

آقای «خطیب بغدادی» یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت با سند صحیح در کتاب «تاریخ بغداد» جلد هشتم صفحه ۲۸۴ از «ابوهریره» روایتی نقل می‌کند که پیغمبر اکرم روز هجدهم ذی الحجه در منطقه غدیر خم علی بن ابی طالب را برای ولایت نصب کرد.

«خطیب بغدادی» سپس می‌نویسد که خلیفه دوم تبریک گفت و جبرئیل نازل شد و آیه شریفه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) را بیان فرمود.

«مرحوم کلینی» چندین روایت صحیح در این زمینه آورده است. «مرحوم شیخ صدوق» چندین روایت در این زمینه آورده است. این روایات یکی دو مورد نیست که ما آن را این چنین توجیه کنیم.

او سپس می‌گوید: "در رابطه با امامت سه نظریه وجود دارد؛ انتصاب، انتخاب و معرفی. پیغمبر اکرم علی بن ابی طالب را معرفی کرد، اما رأی نیاورد."

این همان حرفی است که آقای «واعظ زاده خراسانی» داشتند، آقای «بی‌آزار شیرازی» دارند و تقریباً همان حرف‌هایی است که چیز جدیدی نیست. عرض کردم برای خود بنده روشن نشد که این افراد به دنبال چه هستند.

ایشان در ادامه می‌گوید: "آیا همان گونه که خداوند ابراهیم را امام قرار داد، حضرت علی را امام قرار داده است؟ اگر هست آدرس بدهید!" خیلی جالب است که او تحدی هم می‌کند.

سپس می‌گوید: "از هر امامی پرسیده شده است که آیا امام قائم تو هستی؟ اگر نام‌های امامان معلوم بود، چنین سؤالی جا نداشت." این مطالب در کتاب «تفسیر جدید از سه آیه مربوط به ولایت علی بن ابی طالب» صفحه ۱۸ سطر ۸ وارد شده است.

ما در جلسات گذشته روایاتی را در این زمینه آوردیم که حتی اهل سنت در کتب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» هفده یا هجده روایت دارند که پیغمبر اکرم فرمود:

«لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۵۳، ح ۱۸۲۲

طبق این روایت جانشینان پیغمبر اکرم نه یازده نفر هستند و نه سیزده نفر! در کتاب «فتح الباری» جلد ۱۳ صفحه ۱۸۱ تا ۱۸۳ وارد شده است که «ابن حجر عسقلانی» زمین و زمان را به هم می‌بافد تا این دوازده نفر را تکمیل کند.

او ادعا می‌کند چهار تن از خلفای راشدین که قطعاً خلفای پیغمبر اکرم هستند. امام حسن هم پنج ماه خلافت کرده است و می‌توانیم ایشان را هم قبول کنیم. معاویه را هم قبول کنیم. یزید را هم قبول کنیم.

او که دید این تعداد تنها به هفت تن رسید. بعد از آن گفت که بنی امیه بیست و شش یا بیست و هفت نفر هستند، بنی عباس سی و اندی نفر هستند، «عمر بن عبدالعزیز» را قرض کرد و به این افراد اضافه کرد و در نهایت می‌گوید: ما سخن پیغمبر اکرم را نفهمیدیم!

اگر این حرف را شترچران بیابان‌های ریاض و مدینه بزند، انسان گلیه نمی‌کند، اما این حرف را امثال «ابن حجر»، «مهلب»، «ابن جوزی»، «بدرالدین عینی» یا «ابوبکر بن عربی» می‌زنند!

یکی از دوستان می‌گفت که شما «ابن عربی» را ناصبی خواندید. من در جواب گفتم: مراد بنده «ابوبکر بن عربی» یکی از علمای قرن چهارم و پنجم هجری است که از انصب نواصب است. خداوند به حق حضرت فاطمه زهرا شدیدترین لعن خود را بر او نازل کند و او را با مدافعتش محشور کند!

«ابن عربی» و دیگران ادعا می‌کنند که ما هرچه تلاش کردیم تا ببینیم معنای فرموده پیغمبر اکرم از «اثنًا عَشَرَ خَلِيفَةً» چیست، نفهمیدیم.

اسامی دوازده خلیفه در روایات شریف نبوی

ما در رابطه با روایات شیعه، روایاتی را هفته گذشته نقل کردیم که پیغمبر اکرم فرمود: امامان بعد از من دوازده نفر هستند. یا علی! اولینشان تو هستی و آخرینشان حضرت مهدی (ارواحنا له الفداء) است.

ما حدود دوازده روایت به این صورت داریم. همچنین روایتی را از کتاب «کمال الدین» نقل کردیم تا به اینجا رسیدیم. مشاهده کنید در کتاب «کافی» اسامی ائمه اطهار وارد شده است.

طرفداران «احمد الحسن» ادعا می‌کنند که اگر روایتی در مورد اسامی ائمه اطهار بیان شده است به ما نشان بدهید. اگر این افراد مریض نیستند و مشکل ندارند، ما روایتی به آن‌ها نشان می‌دهیم.

در کتاب «کافی» جلد اول صفحه ۳۳۸ تمام اسامی ائمه اطهار (علیهم السلام) در اینجا آمده است. عزیزان دقت کنند این روایت حدیث «جابر» در رابطه با حضرت امیرالمؤمنین بیان شده است. نام امام حسن و امام حسین آمده است، نام امام سجاد زین العابدین آمده است، نام امام محمد باقر و نام امام صادق آمده است در ادامه نام امام کاظم، نام امام رضا، نام امام هادی آمده است. سپس می‌نویسد:

«وَأَكْمَلُ ذَلِكَ بِإِثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً لِلْعَالَمِينَ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۵۲۸، ج ۳

«مرحوم محمد تقی مجلسی» در کتاب «روضه المتقین» ماجرای لوح «جابر» را نقل می‌کند و می‌نویسد:

«فبالطرق المستفيضة عن محمد بن يعقوب و الصدوق و غيرهما، عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام»

روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، نویسنده: مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، محقق / مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاردی علی پناه، ج ۱۱، ص ۶، باب الوصیة

در برنامه «درایة النور» زمانی که می‌آورند، نسبت به این روایت می‌گویند: «صحيح»؛ به این معنا که این روایت از نظر صحت هیچ مشکلی ندارد.

روایت بعد، روایت حضرت خضر است. در محضر امیرالمؤمنین می‌گویند:

«وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِي رَسُولِ اللَّهِ وَ الْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ»

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص ۵۲۶، ح ۱

سپس نام امام حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام حسن عسکری و حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) را به اسم و صفت ذکر کرده است. این آقایان به دنبال چه هستند؟

«علامه مجلسی» در کتاب «مرآة العقول» در مورد سند روایت می‌گویند:

«الحديث الأول: صحيح»

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، ج ۶، ص ۲۰۳، ح ۱

بازهم «محمد تقی مجلسی» در کتاب «روضه المتقین» می‌گوید:

«و فی الصحیح بتسع طرق»

این روایت با نه سند صحیح بیان شده است.

روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، نویسنده: مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، محقق /

مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاوردی علی پناه، ج ۸، ص ۶۰۱، باب فضل الأولاد

روایت جالب اینجاست که هم شیعه و هم اهل سنت این روایت را از حضرت امیرالمؤمنین نقل کردند. روایت بسیار مهم است. «مرحوم صدوق» در کتاب «کمال الدین» این روایت را آورده است.

قضیه این است که حضرت در زمان عثمان در یک جمع دویست نفره در مسجد النبی جمع شدند و هرکدام از فضائلشان را نقل می‌کنند. علی بن ابی طالب ساکت بودند و به حضرت عرضه داشتند: یا علی! چرا حرف نمی‌زنید؟

حضرت شروع به فرمایش کردند و فرمودند: من چنان حرفی می‌زنم که هیچ عرب و عجمی نتواند کوچک‌ترین اشکالی به سخنان من بگیرد. حضرت در آنجا می‌فرماید:

«(الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا) فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ وَ قَالَ اللَّهُ

أَكْبَرُ بِتَمَامِ النُّعْمَةِ وَ كَمَالِ نُبُوتِي وَ دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ وَلايَةِ عَلِيٍّ بَعْدِي»

سپس وارد شده است:

«فَقَامَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ فَقَالَا يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ آيَاتُ خَاصَّةٍ لِعَلِيٍّ»

از میان جمعیت ابوبکر و عمر برخاستند و گفتند: یا رسول الله! آیه اکمال دین تنها در خصوص ولایت علی است؟

«قَالَ بَلَىٰ فِيهِ وَ فِي أَوْصِيَائِي إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

حضرت فرمود: بله این آیه مخصوص علی و اوصیاء من تا روز قیامت هست.

«قَالَا يَا رَسُولَ اللَّهِ بَيْنَهُمْ لَنَا»

آن دو نفر گفتند: یا رسول الله! اوصیاء را برای ما بیان کن.

حضرت فرمود:

«قَالَ عَلِيٌّ أَخِي وَ وَزِيرِي وَ وَارِثِي وَ وَصِيَّي وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ وَلي كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي ثُمَّ ابْنِي الْحَسَنُ
ثُمَّ ابْنِي الْحُسَيْنِ ثُمَّ تِسْعَةَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَاجِدٌ بَعْدَ وَاجِدِ الْقُرْآنِ مَعَهُمْ وَ هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ لَا يَفَارِقُونَهُ وَ لَا
يَفَارِقُهُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوا عَلَيَّ حَوْضِي»

حضرت در آخر می‌فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَنْصِبَ لَكُمْ إِمَامَكُمْ»

آیا حضرت از این واضح‌تر و روشن‌تر بیان کنند؟ این افراد به دنبال چه چیزی هستند؟ حال این شخصی که مدعی است من استاد حوزه علمیه اصفهان هستم، ادعا می‌کند که ما یک روایت نداریم که پیغمبر اکرم فرموده باشد من علی را به خلافت نصب کردم و واژه «نَصَب» در هیچ روایتی نیامده است! مشاهده کنید حضرت می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَنْصِبَ لَكُمْ إِمَامَكُمْ وَ الْقَائِمَ فِيكُمْ بَعْدِي وَ وَصِيَّي وَ خَلِيفَتِي»

تا آنجا که می فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ مَفْرَعَكُمْ بَعْدِي وَ إِمَامَكُمْ وَ دَلِيلَكُمْ وَ هَادِيَكُمْ وَ هُوَ أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ»

حضرت در آخر می فرماید:

«وَ هُوَ فِيكُمْ بِمَنْزِلَتِي فِيكُمْ»

جایگاه علی بعد از من همان جایگاه من در عصر من است.

سند این روایت هم چنین است:

«حَدَّثَنَا أَبِي» (مراد «علی بن حسین بن بابویه» است) «وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا» (مراد

«محمد بن حسن بن ولید» است.) «قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ» (مراد «سعد بن عبدالله اشعری» است.)

«قَالَ حَدَّثَنَا يَغْفُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ

الْهَلَالِيِّ»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱،

ص ۲۷۷، ج ۲۵

ما تک تک راویان این روایات را بررسی کردیم. در مورد «علی بن الحسین» در کتاب «معجم رجال الحديث»

اثر آیت الله خوئی مطلبی در تأیید ایشان بیان شده است.

بنده انتظار دارم آقایانی که مدعی استادی هستند، این مطالب را بلد باشند. بنده نمی دانم اگر از این افراد سؤال

شود که شما الفبای رجال را بلد هستید یا خیر، چه پاسخی می دهند!؟

«نجاشی» در مورد «علی بن الحسین» می نویسد:

«أبو الحسن، شيخ القميين في عصره، و متقدمهم، و فقيههم، و ثقتهم»

رجال النجاشي، نویسنده: نجاشی، احمد بن علی، ص ۲۶۲، ح ۶۸۴ علی بن الحسین بن موسی بن

بابویه القمی

همچنین در مورد «محمد بن حسن بن ولید» وارد شده است:

«قال النجاشي: محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد، أبو جعفر: شيخ القميين وفقيههم، و متقدمهم

ووجههم، ويقال: إنه نزيل قم، و ما كان أصله منها، ثقة ثقة»

معجم رجال الحديث، نویسنده: السيد الخوئی، ج ۱۶، ص ۲۱۹، ش ۱۰۴۹۰

«ثقة ثقة» به معنای تأکید توثیق ایشان است. بازهم «نجاشی» در مورد «سعد بن عبدالله اشعری» می نویسد:

«شيخ هذه الطائفة و فقيهها و وجهها»

رجال النجاشي، نویسنده: نجاشی، احمد بن علی، ص ۱۷۷، ح ۴۶۷ سعد بن عبد الله بن أبي خلف

الأشعري القمي أبو القاسم

مشاهده کنید ما تک تک روایاتی که اسامی ائمه اطهار در آن آمده است را بررسی کردیم تا آقایان ادعا نکنند

روایت ضعیف یا مرسل است. در مورد «حماد بن عیسی» وارد شده است:

«وكان ثقة في حديثه، صدوقا»

معجم رجال الحديث، نویسنده: السيد الخوئی، ج ۷، ص ۲۳۶، ح ۳۹۷۲

در مورد «عمر بن اذینه» وارد شده است:

«شيخ أصحابنا البصريين ووجههم»

معجم رجال الحديث، نویسنده: السيد الخوئی، ج ۱۴، ص ۲۲، ح ۸۷۱۴

در مورد «أبان بن ابي عیاش» هم «مرحوم نوری» چندین دلیل بر وثاقت او آورده است. «محمد تقی مجلسی» روایت «أبان بن ابي عیاش» را تصحیح می‌کند.

حتی «سرخسی» یکی از فقهای «أحناف» در کتاب «مبسوط» بر طبق روایتی که «أبان بن ابي عیاش» در سند آن است فتوا داده است. این موارد همگی نشانگر این است که روایت از جمیع جهات از دیدگاه شیعه کاملاً سند صحیح است و قابل خدشه نیست.

همچنین روایات دیگری در این زمینه وارد شده است. در کتاب «کفاية الأثر فی النصوص علی الأئمة الإثنی عشر» وارد شده است:

«أَنَّ الْإِمَامَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنَ ثُمَّ الْحُسَيْنَ ثُمَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ثُمَّ أَنَا ثُمَّ مِنْ بَعْدِي مُوسَى ابْنِي ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدُهُ عَلِيٌّ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ مُحَمَّدٌ ابْنُهُ وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ عَلِيٌّ ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ الْحَسَنُ ابْنُهُ وَ الْحُجَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ»

کفاية الأثر فی النصوص علی الأئمة الإثنی عشر، نویسنده: خزاز رازی، علی بن محمد، محقق / مصحح:

حسینی کوهکمری، عبد اللطیف، ص ۲۶۳، باب ما جاء عن جعفر بن محمد ع

بازهم ما همه این روایات را تک تک بررسی سندی کردیم و وثاقت راویان را ثابت کردیم. بنده می‌خواهم روایتی بخوانم و تقاضا دارم که آن را از من یادگاری داشته باشید و زمانی که می‌خواهید با این آقایان منحرف بحث کنید آن را به کار ببرید.

پیغمبر اکرم د یک روایتی هم اسامی ائمه اطهار را بیان کرده است و هم تکلیف این آقایان را روشن کرده است. اجازه بدهید این روایت را از کتاب «کمال الدین» بخوانم. در کتاب «کمال الدین» صفحه ۲۶۲ این کتاب روایتی از امام حسن عسکری از قول نبی گرامی اسلام است. پیغمبر اکرم فرمودند:

«یا علی لا یحبک إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ»

در رابطه با کسانی که این چنین به جان ولایت افتادند، تعبیری از یکی از علمای بزرگ اهل سنت وارد شده است که می‌گوید: ناصبی بودن فقط اظهار عداوت با اهل بیت نیست، بلکه انکار فضائل علی بن ابی طالب هم نصب است!!

به گفته ایشان کسی که فضائل حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را انکار می‌کند هم ناصبی است. حضرت می‌فرماید:

«یا علی لا یحبک إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ»

یا علی تو را دوست نمی‌دارد، مگر کسی که ولادتش طیب و طاهر باشد.

«وَ لَا یبغضک إِلَّا مَنْ خَبِثَتْ وِلَادَتُهُ»

و تو را دشمن نمی‌دارد، مگر کسی که خبیث الولاده باشد.

«وَ لَا یؤالیک إِلَّا مُؤْمِنٌ وَ لَا یُعَادیک إِلَّا کافرٌ»

و موالات تو را ندارد مگر کسی که مؤمن باشد و عداوت و بغض تو را ندارد مگر کسی که کافر باشد.

«عبدالله بن مسعود» می‌گوید: یا رسول الله! ما در عصر شما فهمیدیم علامت خبیث الولاده و کافر با بغض علی و عداوت اوست. بعد از شما اگر ما بخوایم ببینیم فلانی نسل پاک یا ناپاک دارد، از کجا بفهمیم؟ حضرت فرمود:

«يا ابن مسعودِ عليُّ بنُ أبي طالبٍ إمامكم بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ فَإِذَا مَضَى فَاِبْنِي الْحَسَنُ إِمَامُكُمْ بَعْدَهُ
وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ فَإِذَا مَضَى فَاِبْنِي الْحُسَيْنُ إِمَامُكُمْ بَعْدَهُ وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ ثُمَّ تَسَعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ
وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ أُمَّتُكُمْ وَ حُلَفَائِي عَلَيْكُمْ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُ أُمَّتِي»

مشاهده کنید که حضرت هم کلمه «إِمَامُكُمْ» را به کار می برد و هم کلمه «خَلِيفَتِي» را به کار می برد. حضرت می فرماید: نه نفر از فرزندان امام حسین که نهمین آن مهدی آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعین) هست امام شماست. سپس می فرماید:

«لَا يَجِبُهُمْ إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ وَ لَا يَبْغِضُهُمْ إِلَّا مَنْ خَبِثَتْ وِلَادَتُهُ وَ لَا يُوَالِيهِمْ إِلَّا الْمُؤْمِنُ وَ لَا يَعَادِيهِمْ إِلَّا
كَافِرٌ»

حضرت سپس می فرماید:

«مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ مَنْ أَنْكَرَنِي فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»

انکار یکی از ائمه اطهار انکار من است و انکار من همانند انکار خداوند عزوجل است.

«وَ مَنْ جَحَدَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ جَحَدَنِي وَ مَنْ جَحَدَنِي فَقَدْ جَحَدَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱،

ص ۲۶۲، ج ۸

مشاهده کنید این روایت بسیار واضح و روشن همه چیز را بیان کرده است. من نمی دانم قضیه چیست که این افراد اینطور به جان امامت افتادند و همینطور چوب حراج به ولایت اهل بیت (علیهم السلام) می زنند. حداقل باید بررسی کنند تا قضیه برای خودشان روشن شود.

این روایت صحیح از نبی گرامی اسلام است و خدشه ای در آن نیست. بازهم «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «معانی الأخبار» می‌نویسد:

«وَلَا يَجِبُنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ وَ لَا يَبْغِضُنَا إِلَّا مَنْ حَبِثَتْ وِلَادَتُهُ»

معانی الأخبار، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ص ۱۶۱، ح ۱

«مرحوم شیخ طوسی» هم در کتاب «تهذیب الأحکام» همین تعبیر را دارد و می‌نویسد:

«مَنْ وَجَدَ بَرْدَ حُبِّنَا فِي كَيْدِهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى أَوَّلِ النَّعْمِ»

هرکسی در دل خود شیرینی محبت ما را چشید، خدا را بر اولین نعمت شکر کند.

«قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا أَوْلُ النَّعْمِ»

راوی می‌گوید: پرسیدم فدای شما شوم اولین نعمت چیست؟

«قَالَ طَيْبُ الْوِلَادَةِ»

حضرت فرمود: ولادت طیب و طاهر.

تهذیب الأحکام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۴،

ص ۱۴۳، ح ۲۳

لذا در کتاب «معانی الأخبار» روایت چنین آمده است:

«فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى طَيْبِ مَوْلِدِهِ فَإِنَّهُ لَا يَجِبُنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ وَ لَا يَبْغِضُنَا إِلَّا مَنْ حَبِثَتْ وِلَادَتُهُ»

معانی الأخبار، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ص ۱۶۱، ح ۳

دوستان عزیز در کتاب «من لا يحضره الفقيه» روایت بسیار شیرین و لذت بخشی است. در روایت بیان شده است:

«عَلِي خَيْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ»

علی برترین بشر است؛ هر کس ابا کند کافر است.

«يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ ادَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّ عَلِي فَمَنْ أَبِي فَأَنْظَرُوا فِي شَأْنِ أُمِّهِ»

ای مردم مدینه و ای انصار فرزندان خود را بدوستی علی تربیت کنید و هر کدام نپذیرند به حال مادر او نظر کنید.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص

۴۹۳، ح ۴۷۴۴

در روایت بعد می نویسد:

«مَنْ وَجَدَ بَزْدَ حُبَّنَا عَلَى قَلْبِهِ فَلْيَكْثِرِ الدُّعَاءَ لِأُمِّهِ فَإِنَّهَا لَمْ تَخُنْ أَبَا»

هرکسی نسیم دل افروز محبت ما را در قلبش دریابد بر دامن پاک مادرش دعا کند، زیرا که به پدرش خیانت نکرده است.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص

۴۹۳، ح ۴۷۴۵

این مطالب کاملاً واضح و روشن است. این روایات تنها در کتب ما نیست، بلکه اهل سنت هم این روایات را دارند.

در کتاب «جامع الأصول» اثر «ابن اثیر جزری» برادر صاحب «الکامل فی التاریخ» روایتی وارد شده است. در جلد هشتم صفحه ۶۵۶ وارد شده است که «ابو سعید خدری» می‌گوید:

«ابو سعید الخدری - رضی الله عنه - قال: (إِنْ كُنَّا لَنَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ - نحن معاشر الأنصار - بیغضهم علی بن أبی طالب)»

معجم جامع الأصول فی أحادیث الرسول، اسم المؤلف: المبارک بن محمد ابن الأثیر الجزری، ج ۸، ص ۶۵۶، ح ۶۴۹۸

«ابن مردویه» این روایت را بیان کرده است. «أنس بن مالک» می‌گوید:

«ما کنا نعرف الرجل لغير أبيه إلا ببغض علی ابن أبی طالب»

اگر ما می‌خواستیم ببینیم کسی از نسل پدرش هست یا نیست، او را با بغض علی بن أبی طالب امتحان می‌کردیم.

مناقب علی بن أبی طالب (ع) وما نزل من القرآن فی علی (ع)، نویسنده: أحمد بن موسی ابن مردویه الأصفهانی، تحقیق: عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، چاپ: الثانية، سال چاپ: ۱۴۲۴ - ۱۳۸۲ ش، چاپخانه: دار الحدیث، ناشر: دار الحدیث، ص ۷۶، ح ۵۷

امتحان می‌کردیم یعنی می‌دیدیم اگر فرزندانمان علی را دوست دارند می‌فهمیدیم از نسل ما هستند، اما اگر علی بن أبی طالب را دوست نداشتند نسبت به همسرمان مشکوک می‌شدیم.

«علامه امینی» هم روایتی دارد که من مصدر آن را پیدا نکردم. ایشان می‌نویسد: بعضی از صحابه فرزندان خود را کنار کوچه‌ای که علی بن أبی طالب از آن عبور می‌کرد می‌گذاشتند و به صورت ناشناس از او می‌پرسیدند که حضرت را دوست دارند یا خیر. اگر فرزندانمان می‌گفتند که حضرت را دوست دارم خوشحال می‌شدند که

همسرش در حقیقت خیانت نکرده است، اما اگر می‌گفت که این مرد را دوست ندارم می‌فهمیدند که خیانتی در کار است.

بنابراین حضرات و بزرگوارانی که این چنین چوب حراج بر ولایت اهل بیت (علهیم السلام) می‌زنند باید خود را مورد امتحان قرار بدهند.

این افراد علناً بگویند ما مأموریتی داریم و می‌خواهیم این مباحث را در جامعه شیعه مطرح کنیم و پول بگیریم. در این صورت تکلیف ما و حوزه‌های علمیه هم با این افراد روشن است.

اگر این افراد واقعاً و اعتقاداً این حرف‌ها را مطرح می‌کنند، این احادیث اگر نگوئیم در حد متواتر قریب به تواتر است.

مرحوم صاحب وسائل (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب «وسائل الشیعه» جلد یازدهم روایات مختلفی در این زمینه آورده است. همچنین «شیخ طوسی»، «شیخ صدوق» و دیگر علما این روایات را آوردند.

بنابراین خواهشی که من از عزیزان دارم این است که مقداری روایت نبوی و علوی را در نظر داشته باشیم؛

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۵۴، ح ۲

در حال حاضر با وضعی که مخصوصاً در این دو سه سال اخیر درست شده است، مشخص است یک سری بدعت‌ها و مسائلی صورت می‌گیرد که قضیه «احمد الحسن» یکی از این پروژه‌هاست.

پروژه‌های قداست شکنی در داخل شیعه در حال انجام است. این افراد داعش را بزک کردند، ده الی پانزده سال در آغوش پروراندند و شیر دادند، اما مشاهده کردند که از داعش برای آن‌ها کاری ساخته نیست.

دشمنان به این فکر افتادند که از داخل شیعه افرادی که زمینه دارند را آماده کنند و به آنها خوراک و پول بدهند تا اعتقادات شیعه را به این صورت متزلزل کنند.

عزیز بزرگواری قبل از نماز یکی دو مورد سؤال از ما داشتند. یکی از آنها «ابوبکر بن عربی» بود که من گفته بودم او ناصبی است. ایشان تصور کرده بود که منظور من «ابن عربی عارف» است. البته بنده خیلی بی‌پرده بگویم که نسبت به عرفا خنثی هستم؛ نه از آنها مدح می‌کنم و نه از آنها ذم می‌کنم. ما با آنها کاری نداریم.

ما هشت سال خدمت آیت الله شیخ محمد شاه آبادی خارج عرفان کتاب «مصباح الأنس» اثر «صدرالدین قونوی» را خواندیم، اما بنده همیشه به ایشان می‌گفتم که ما حرف‌های عرفا را در بقعه امکان می‌گذاریم. اگر روایتی از ائمه اطهار ولو روایت ضعیف بود آن را قبول می‌کنیم، اما اگر نبود در بقعه امکان می‌گذاریم شاید روزی یک روایت ضعیفی از ائمه اطهار داشته باشیم. ما تابع ائمه اطهار هستیم. بعضی از حرف‌هایی که آنها می‌زنند را بنده نمی‌فهمم.

ولی مراد از «ابن عربی» که عرض کردم، «ابوبکر بن عربی» از اشد نواصب است. اگر دوستان سؤالات را بنویسند و به من بدهند شاید در پایان بحث به آن اشاره کنم.

شخص دیگری در رابطه با علم امام (علیهم السلام) پرسیدند مبنی بر اینکه آیا علم ائمه اطهار بعد از امامت است یا در دوران کودکی هم علم داشتند؟ آیا علمشان این بود که اگر خداوند بخواهد آنها می‌دانند یا علمشان فراتر از این است؟

من خدمت این بزرگوار عرض کردم که ما طبق همان عبارتی که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بَعْزُهُمْ مُخَدِّقِينَ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص

۶۱۳، ج ۳۲۱۳

علم ائمه اطهار مربوط به دوران کودکی نیست، بلکه مربوط به دوران بسیار قدیمی‌تر قبل از عالم زر است.

امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) کتابی به نام «مصباح الهدایة و الإمامة» دارند که در اواخر کتاب روایتی به نام روایت رضویه مطرح می‌کنند. ایشان خیلی روی آن روایت کار کرده است به طوری که بنده هر وقت این روایت را می‌خوانم، لذت می‌برم.

از امام رضا (علیه السلام) سؤال می‌کنند: آیا شما افضل هستید یا ملائکه افضل هستند؟ حضرت می‌فرمایند: این چه حرفی است؟ ملائکه خدام شیعیان ما هستند. خداوند عالم ما را از نور خود آفرید قبل از آنکه ملکی یا فلکی یا کرسی را آفریده باشد.

حضرت فرمود خداوند عالم با نور ما ملائکه مقرب همانند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل را آفرید. آن‌ها به نور ما نگاه کردند و تصور کردند که خالق آن‌ها ما هستیم.

«حللنا و حللة الملائكة»

ائمه اطهار اولین دانشگاه توحید را قبل از خلقت فرش و عرش و کرسی و ملائکه گذاشتند که استاد آن انوار مقدسه و شاگردانشان ملائکه مقرب بودند.

«حمدنا و حمدة الملائكة، سبحنا و سبحة الملائكة»

بنده در اینجا یک مرتبه عرض کردم که «مرحوم محدث قمی» در کتاب «مفاتیح الجنان» زیارات مطلقه امام حسین (علیه السلام) را که می‌آورد؛ اولین زیارت، زیارتی است که «مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» دارد،

«شیخ طوسی» در «تهذیب الأحکام» دارد، «شیخ صدوق» در کتاب «من لا یحضره الفقیه» دارد. او در کتاب «من لا یحضره الفقیه» می‌گوید: من از میان زیارات امام حسین این مورد را انتخاب کردم،

«لِأَنَّهَا أَصْحَحُ الزِّيَارَاتِ عِنْدِي مِنْ طَرِيقِ الرَّوَايَةِ وَ فِيهَا بَلَاغٌ وَ كَفَايَةٌ»

این عبارت، بسیار عبارت محکمی است. در این زیارت وارد شده است:

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ وَ بِكُمْ يَمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ»

من لا یحضره الفقیه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص

۰۵۹۸، ح ۳۲۰۰

تا جایی که حضرت می‌فرماید:

«إِزَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيِّطُ إِلَيْكُمْ وَ تَضْرُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ»

به قول معروف همان تعبیر «شیخ صدوق» است که می‌نویسد: «وَ فِيهَا بَلَاغٌ وَ كَفَايَةٌ».

در خانه اگر کسی است، یک حرف بس است!

«إِزَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيِّطُ إِلَيْكُمْ وَ تَضْرُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ»

همچنان که در «زیارت آل یاسین» می‌خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ذَلِيلَ إِزَادَتِهِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۳،

ص ۱۷۱، ح ۵

مرحوم کمپانی (رضوان الله تعالى عليه) در کتاب «حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری» در بیع فضولی و ولایت ائمه اطهار تعبیر زیبایی دارد و می نویسد:

«لهم الولاية المعنوية و السلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية و التشريعية»

حاشیه کتاب مکاسب، نویسنده: اصفهانی، محمد حسین کمپانی، ج ۲، ص ۳۷۹، ح ۳۳۷

فرق اینها با ولایت الله تنها استقلالی بودن ولایت الله و استضلالی بودن ولایت ائمه اطهار است.

«لهم الولاية المعنوية و السلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية و التشريعية»

مرحوم امام خمینی در کتاب «مصباح الهدایة» از یکی از اساتیدشان نقل می کند و جمله زیبایی از «مرحوم محمد رضا قمشهای» دارند. ایشان می نویسد:

«فالحقیقة المحمّدية هی الّتی تجلّت فی صورة العالم والعالم من الذرّة إلى الذرّة ظهورها وتجلّیها»

مصباح الهدایة إلى الخلافة والولاية، نویسنده: السید الخمینی، ص ۵۷، باب نور ۲۰

آنوقت ما بگوئیم که آیا علم ائمه اطهار «ما کان» است، «ما یکون» است، «ما هو کائن» است یا دوران طفولیت ما را هم شامل می شود یا خیر؟! بنده چند دعا کنم و عزیزان با حضور قلب آمین بگویند.

خدایا تو را به آبروی حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) اولین شهیده راه ولایت سوگند می دهیم فرج مولای ما حضرت بقیه الله الأعظم را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکارش قرار بده.

خدایا رفع گرفتاری از جمیع گرفتاران بنما. خدایا حوائج حاجت مندان و حوائج جمع ما را به آبروی حضرت صدیقه طاهره برآورده نما.

خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرت ولی عصر متصل بفرما. خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت در هر لباس و منصبی هستند از جمله مراجع عظام تقلید بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار.

خدایا به آبروی حضرت فاطمه زهرا نعمت ولایت را تا آخرین لحظه عمر از ما سلب نکن. خدایا یک چشم به هم زدن در دنیا و آخرت بین ما و بین اهل بیت عصمت و طهارت جدایی نیفکن. خدایا به حق حضرت فاطمه زهرا دعاهای ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهدا، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل و دو یادگارش صلواتی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته